

سمینار «به سوی گفتگوی تمدنها، جهانی شدن و ارمنستان: راهکارها و مواضع»

به لحاظ ارزیابی نظرات و دیدگاههای اندیشمندان، محققان و مقامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان و به تناسب محیطی کشور ارمنستان، به منظور تمرکز بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای علمی در مورد پدیده جهانی شدن برای هموار نمودن مسیر درک بهتر تهدیدها و فرصتهای پیش روی کشور در ابعاد گوناگون و تعیین جهت گیری های کلی و همچنین برنامه ریزی و پیش بینی راهها و ابزارهای مقتضی برای تأمین منافع کشور در پرتو تأثیرات جهانی شدن، سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان سلسله ملاقاتهایی را با شخصیت های مختلف ترتیب و به جمع آوری نظرات آنان پرداخت. نظر به استقبال نهادهای سیاسی فرهنگی ارمنستان و با توجه به احساس خلاء فکری موجود نسبت به پدیده جهانی شدن در این کشور، سفارت جمهوری اسلامی ایران سازماندهی و برگزاری سمیناری در این خصوص را در دستور کار خود قرار داد و اولین گام را در جهت اخذ دیدگاه پژوهشگران و اندیشمندان عرصه های مختلف در زمینه جهانی شدن با نگاه به ایده گفتگوی تمدنها برداشت.

در این راستا استقبال جامعه جوان علمی ارمنستان به ویژه دانشجویان رشته های سیاسی و اقتصادی ما را در جهت برگزاری هرچه بهتر این سمینار یاری نمود. با برنامه ریزی های انجام شده و با همکاری سازمان سیاسی - اجتماعی جهان هماهنگ ارمنستان، سمیناری تحت عنوان «به سوی گفتگوی تمدنها، جهانی شدن و

ارمنستان: راهکارها و مواضع^۱ طی دو روز با حضور شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اساتید دانشگاهها، محققان و اندیشمندان ارمنی در بخشهای مختلف:

(الف) تمدن، جامعه و فرهنگ، (ب) علوم و آموزش، (ج) سیاست و جغرافیای سیاسی، (د) اقتصاد و جغرافیای اقتصادی در تاریخ ۵ و ۶ اسفندماه ۱۳۷۹ در محل آکادمی ملی علوم ارمنستان برگزار شد. در این سمینار، جناب آقای کلینی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان سخنرانی خود را تحت عنوان «به سوی گفتگوی تمدنها» ارائه نمود. سپس، اندیشمندان ارمنی نظرات و دیدگاههای خود را مطرح کردند. در اینجا برای شناخت بیشتر از موضع ارمنستان در قبال مسایل جهانی و نیز مناسبات اقتصادی این کشور با دیگر کشورها دو مقاله «مجموعه اقتصاد خارجی و تنظیم آن» به کوشش توروس توروسیان (دکتر علوم اقتصادی و رئیس «کرسی اقتصاد بین‌الملل» دانشگاه دولتی ایروان) و «ژئوپلیتیک و سیاست» ارائه شده از طرف ادوارد هوانسیان در نظر گرفته شده که به لحاظ اهمیت به‌طور کامل متن آنها آورده می‌شوند:

مجموعه اقتصاد خارجی و تنظیم آن

جمهوری ارمنستان بعد از استقلال، خود دارای اقتصاد خارجی مستقل گردیده و اما روابط اقتصاد بین‌الملل خارجی آن نیز به صورت یکی از عوامل مهم توسعه جمهوری درآمد. در چنین شرایطی جمهوری ارمنستان در برخورد با مشکلات جدی قرار گرفت؛ زیرا که تا آن هنگام ضمن محسوب شدن به عنوان بخش لاینفک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اقتصاد آن در پیوند ارگانیکی با تمامی کشور بوده و از قرار معلوم در وابستگی بیش از سایر جمهوری‌ها و مناطق شوروی قرار داشت. جمهوری بایستی مسأله به حد کافی پیچیده‌ای را حل می‌کرد. بدین ترتیب

1. Globalization and Armenia, Alternatives and Approaches under the Aegis of «To the Dialogue Among Civilizations».

که وارد یک ساختار اقتصادی جدید برای خود یعنی اقتصاد جهانی بازار آزاد و بین‌المللی می‌شد. حرکت در روابط اقتصاد خارجی جمهوری ارمنستان با قبول قوانین اقتصادی کلی و آئین‌نامه‌های مربوطه آغاز شد که مسایل اساسی تنظیم عملکردهای اقتصاد خارجی مؤسسات و سازمانها را نیز در بر می‌گرفت. تصمیماتی اتخاذ شدند که در راستای توسعه و تکامل عملکردهای اقتصاد خارجی واحدهای مربوطه قرار داشتند. از این دیدگاه، ابتدا ضروری است که جا و نقش قانون «خصوصی‌سازی» جمهوری ارمنستان را که هویت حقوقی مالکیت مؤسسات مشترک سایر کشورها و مؤسسات خارجی را در جمهوری ارمنستان تعیین نموده، تمیز داد. واحدهای خارجی حق شرکت در ایجاد شرکتهای سهامی و سایر شرکتهای و در اختیار داشتن اموال، مؤسسات تولیدی و غیرتولیدی و ساختمانها و تأسیسات را به دست آوردند.

بر طبق مفاد قانون «مؤسسات و مؤسسه‌داری» جمهوری ارمنستان شهروندان خارجی، افراد فاقد تابعیت و سازمانها در جمهوری ارمنستان حق تأسیس و در اختیار داشتن با حق مالکیت مؤسسات را دارا می‌باشند. طبق همین قانون، حدود ۲۰۰ شکل و نوع حقوقی - تشکیلاتی برای مؤسسات وضع شده است. بر طبق قانون یاد شده شهروندان خارجی و افراد فاقد تابعیت می‌توانند همانند شهروندان جمهوری ارمنستان به عنوان واحدهای کاملی برای انجام عملکردهای مؤسسه‌داری مطرح باشند.

در دستور مورخ چهارم ژانویه ۱۹۹۲، «عملکردهای اقتصاد خارجی در جمهوری ارمنستان» امکانات وسیعی را در عرصه همکاری‌های مؤسسات و سازمانهای جمهوری ارمنستان با شرکتهای خارجی فراهم ساخت که به وسیله آن مقررات ثبت واحدهای مشغول به عملکردهای اقتصادی خارجی از میان برداشته شده و به همه واحدهای اقتصادی اجازه داده شد تا آزادانه به عملکردهای اقتصادی خارجی مشغول شوند. روند عملکردهای اقتصادی خارجی آغاز گردید. بر طبق دستور چهارم ژانویه سال ۱۹۹۲ پیرامون «تنظیم معاملات ارزی در قلمرو جمهوری ارمنستان» به مؤسسات و سازمانهای جمهوری اجازه داده شد تا به انجام معاملات

ارزی (واسطگی) پردازند و اما بر حسب قانون «مالیات بر سود»، مؤسسات مشغول به کار با شرکت سرمایه‌های خارجی چنانچه میزان سرمایه خارجی در سرمایه اولیه آنها حداقل ۵۰۰ میلیون درام باشد دارای امتیازاتی در رابطه با پرداخت مالیات بر سود می‌باشند.

در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۵ دستور مربوط به «نحوه تنظیم غیر تعرفه‌ای کالاهای صادراتی و وارداتی به جمهوری ارمنستان» صادر شد که به طور نهایی روند بازار آزاد تجارت خارجی را ریشه‌دار نمود. با این دستور، فهرست کالاهایی که درباره آنها حداقل قیمت‌های کنترل‌کننده برای صادرات تعیین می‌شوند مورد تأیید قرار گرفت. این قیمت‌ها با توجه به سطح واقعی قیمت‌های موجود در بازار بین‌المللی تعیین می‌شوند. تعیین چنین قیمت‌های کنترل‌کننده‌ای در عدم دریافت درآمد برای بودجه کشور در صورت صدور کالا با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های بین‌المللی جلوگیری می‌کند. چنانچه در دوران اولیه در فهرست اینگونه کالاها، کالاهایی از قبیل کنیاک، انواع کابل، کائوچو، فلزات و غیره منظور شده بودند حال این فهرست شدیداً محدود شده است. قبول «آئین‌نامه گمرکی جمهوری ارمنستان» نیز مرحله بسیار مهمی بود که اساس اجرای سیاست‌های گمرکی را در جمهوری به وجود می‌آورد. بدین ترتیب اجرای فعالانه گردش کالا تشویق سرمایه‌گذاری و تنظیم واردات در مرکز توجه جمهوری قرار دارد.

در حال حاضر در جمهوری ارمنستان از بابت صادرات و واردات کالاها تعرفه‌های گمرکی صفر و ۱۰ درصد به کار گرفته می‌شود. امتیازاتی برای پرداخت‌های گمرکی برای آن دسته از کالاهایی که در چارچوب‌های بشردوستانه و برنامه‌های بشردوستانه و بارهای قانونی حمل‌شونده از سوی شخصیت‌های حقیقی (به استثنای تجار) و غیره صورت می‌گیرند، پیش‌بینی شده‌اند. همچنین سیستم محدود به ثبت‌رسانی در جمهوری به اجرا درمی‌آید. بدین ترتیب که آن دسته از تولیدات نساجی که به کشورهای اتحادیه اروپا صادر می‌شوند، حیوانات وحشی و گیاهانی که در کتاب قرمز جمهوری ارمنستان قرار دارند، داروها و مواد اولیه برای تولید آنها، فلزات رنگی، آلیاژهای آنها، اکسیدها، نمکها، ورق‌های فلزی، ضایعات و فلزات رنگی، ضایعات و

قراضه فلزات مشمول ثبت می‌باشند.

به غیر از این در جمهوری ارمنستان دو نوع مالیات غیر مستقیم یکی مالیات بر ارزش افزوده و دیگری مالیات کالاهای در جریان می‌باشند که آنها در درجه نخست از تولیدات وارد شده اخذ می‌گردند. مالیات بر ارزش افزوده بر طبق قانون «مالیات بر ارزش افزوده» جمهوری ارمنستان اخذ می‌گردد. این مالیات به میزان ۲۰ درصد گردش مشمول مالیات تعیین شده و از سوی نهادهای گمرکی محاسبه و اخذ می‌گردد. کالاهایی که تعرفه گمرکی آنها صفر درصد بوده و همچنین مشمول مالیات کالاهای در جریان نمی‌باشند و همچنین در صورت وارد نمودن داروها، تجهیزات پزشکی و تولیدات مشابه، کمکهای بشردوستانه و کالاهای دارای جنبه بشردوستانه شامل این قاعده نمی‌باشند.

مالیات کالاهای در جریان بر حسب قانون برای وارد نمودن کالاها و یا صدور آنها از سوی تولیدکنندگان جمهوری ارمنستان به کار گرفته می‌شود. بر طبق مالیات کالاهای در جریان، آبجو، شراب انگور و سایر شرابها، مواد برای شرابسازی، الکل و نوشابه‌های الکلی، دخانیات، بنزین، نفت و فرآورده‌های نفتی و سوخت دیزلی (گازوئیل) مشمول اخذ مالیات می‌باشند. واردات جمهوری ارمنستان مشمول محدودیت و سهمیه‌بندی نمی‌باشد. محدودیت قائل شدن برای واردات تنها به منظور امنیت و در موارد حفاظت از محیط زیست پیش بینی می‌شوند.

به‌طور کلی در جمهوری ارمنستان جو مناسب برای فعال تر نمودن روابط اقتصاد خارجی به‌وجود آمده است. ولی در جمهوری به تناسب اقتصاد بازار آزاد شکل گرفته فعالیت‌های مورد لزوم مشاهده نمی‌شود. عدم توازن مناسب بین صادرات و واردات و در ساختارهای کالایی و جغرافیایی گویای این امر می‌باشد. طی سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۹ گردش کالای خارجی جمهوری ارمنستان ۲/۵ بار و از جمله واردات بیشتر از سه بار و اما صادرات تنها ۱/۵ بار افزایش یافته‌اند.^۱

۱. در این جا و در آینده بر اساس آمار چاپ شده در «آمار سالانه ارمنستان» (۱۹۹۳-۱۹۹۴) صفحه ۱۶۷-۱۷۵، «وضعیت اجتماعی ارمنستان در سال ۱۹۹۸»، صفحه ۴۴-۴۵، «وضعیت اجتماعی - اقتصادی جمهوری ارمنستان سال ۱۹۹۹»، صفحه ۱۱۱-۱۱۲، «وضعیت اجتماعی - اقتصادی جمهوری ارمنستان

چنانچه در سال ۱۹۹۳ صادرات در مجموع گردش کالا ۳۸ درصد را تشکیل داده و اما واردات ۶۲ درصد، در سال ۱۹۹۸ این ارقام به نقطه اوج خود رسیدند که به ترتیب ۲۰ درصد و ۸۰ درصد می‌باشند. بعد از آن به میزان ناچیزی افزایش در بخش صادرات و بالطبع کمی کاهش در واردات مشاهده می‌شود. فی‌المثل با توجه به ارقام شش‌ماهه اول سال ۲۰۰۰، صادرات شامل ۲۴ درصد و واردات ۷۶ درصد گردش کالا بوده است. به‌طور کلی رشد در کسری تراز تجاری جمهوری مشاهده می‌شود. تراز منفی (سالتو) در ظرف سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۹ تقریباً ۶ بار افزایش و شامل مبلغ ۵۶۸/۲ میلیون دلار آمریکا شده است.

حرکتهای ساختاری جغرافیایی نیز در صادرات و واردات صورت می‌گیرند. در مجموع گردش کالای خارجی جمهوری ارمنستان، بتدریج سهم کشورهای خارج دور بیشتر می‌شوند. بدین ترتیب که طی سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۳ میزان گردش کالا با کشورهای خارج دور و زمانی که گردش کالا با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع ۲۰ درصد کاهش داشته، تقریباً ۷ برابر افزایش یافته است. در همین مدت زمان یاد شده میزان و ابعاد واردات از کشورهای خارج دور ۷/۳ بار افزایش داشته در صورتی که این افزایش در میان کشورهای جامعه مشترک‌المنافع تنها ۴/۴ درصد بوده است. در سال ۱۹۹۹ در تجارت با کشورهای خارج دور کسری موازنه تجاری مشاهده شده که ۸۰ درصد مجموع مبلغ کسری تراز تجاری جمهوری را تشکیل می‌دهد. همین روند در شش‌ماهه اول سال ۲۰۰۱ نیز حفظ شده است.

در هر صورت لازم است افزایش سهم جمهوری در تجارت با کشورهای خارج دور را پدیده مثبتی مشاهده نمود زیرا بدان معناست که ارمنستان بتدریج جای‌گرچه کوچک خود را در بازارهای بین‌المللی به‌دست می‌آورد. از سوی دیگر گردش کالا با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع شدیداً منفی است؛ زیرا روابط سنتی موجود با این کشورها ممکن است امکان افزایش صادرات را به‌وجود آورند و اما این امر ممکن است به کاهش کسری تراز تجاری کمک نماید. بایستی قید

نمود که از میان کشورهای جامعه مشترک‌المنافع برای ارمنستان عمده‌ترین همکار تجاری، روسیه می‌باشد گرچه سهم این کشور هم در صادرات و هم در واردات جمهوری رو به کاهش دارد. چنانچه در سال ۱۹۹۳ روسیه در صادرات ارمنستان ۳۷ درصد سهم داشت؛ در سال ۱۹۹۹ این رقم ۱۸ درصد بوده است؛ اما در واردات به ترتیب ۳۱ درصد و ۱۷ درصد.

دومین همکار تجاری برای ارمنستان در میان کشورهای جامعه مشترک‌المنافع ترکمنستان بوده است. در سال ۱۹۹۳ از ترکمنستان به میزان زیادی کار انتقال گاز به ارمنستان آغاز گردید که عمدتاً برای تولید برق مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما بعد از گشایش مجدد نیروگاه اتمی جمهوری ارمنستان (سال ۱۹۹۶) و همچنین در پی افزایش ابعاد گاز ورودی به ارمنستان کاهش محسوسی در واردات گاز از ترکمنستان مشاهده می‌شود. چنانچه در سال ۱۹۹۳ میزان نسبی واردات از ترکمنستان در مجموع واردات به ارمنستان ۲۵ درصد را تشکیل می‌داد. این رقم طی ۲-۳ سال اخیر تنها رقمی در حدود ۰/۱ درصد می‌باشد. هم‌زمان صادرات محسوس کالاها از ارمنستان به ترکمنستان ادامه دارد.

همکار مهم دیگر ارمنستان (جامعه مشترک‌المنافع) گرجستان می‌باشد. صادرات در مجموع تجارت خارجی با گرجستان به‌طور متوسط ۵ درصد کل صادرات را تشکیل می‌دهد اما واردات به تناسب ۴ درصد می‌باشد. از میان دیگر جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی بلاروس، اوکراین و قزاقستان را می‌توان به عنوان همکار تجاری جمهوری ارمنستان قید نمود.

از میان کشورهای خارج دور، بلژیک را می‌توان متمایز ساخت که به تدریج سهم بزرگی را در صادرات ارمنستان اشغال می‌کند. چنانچه در سال ۱۹۹۳ رقم مربوطه ۹/۵ درصد بوده است در سال ۱۹۹۹ این رقم ۳۶ درصد را تشکیل داده است. ایران جای دوم را از نظر ابعاد صادرات در میان کشورهای خارج دور حائز است که سهم این کشور از ۳/۵ درصد در سال ۱۹۹۳ تا ۱۴/۷ درصد افزایش یافته است و اما جای سوم را ایالات متحده آمریکا دارا است. این سه کشور از کشورهای خارج دور نیز میزان نسبی بالایی را در ابعاد واردات جمهوری ارمنستان دارند. در

ابعاد واردات جمهوری ارمنستان امارات متحده عربی، ترکیه، بریتانیای کبیر و آلمان سهم نسبی بالایی را دارا می‌باشند.

ضمن صحبت از واردات صورت گرفته از کشورهای خارج دور، بایستی در رابطه با کالاهای ارزان و دارای کیفیت پایین وارد شده از ایران به صورت انتقاد آمیز مطرح شود. به غیر از این بخشی از کالاهای وارد شونده از ایران را می‌توان در خود ارمنستان تولید نمود. (رب گوجه‌فرنگی، میوه‌جات، لوازم و اشیای پلاستیکی، مواد شوینده و غیره) از سوی دیگر بنا به عقیده ما این یک پدیده منفی است که از جمهوری ارمنستان به بلژیک عمدتاً سنگهای گرانقیمت و نیمه‌گران قیمت، فلزات گرانقیمت و اشیاء به دست آمده از آنها صادر می‌شوند. قید نماییم که از ایالات متحده آمریکا مواد غذایی، مواد شیمیایی، تولیدات نساجی، لوازم و تجهیزات پزشکی و غیره وارد می‌شوند.

بجاست که ساختار کالاهای صادراتی و وارداتی جمهوری ارمنستان نیز مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور کلی سنگهای قیمتی و نیمه‌قیمتی و همچنین فلزات گرانقیمت بیشترین سهم را در صادرات جمهوری ارمنستان دارا می‌باشند و این سهم سال به سال افزایش می‌یابد. بدین ترتیب که از میزان ۳۴ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۴۳ درصد در سال ۱۹۹۹ و ۴۶ درصد بنابه آمار ششماهه اول سال ۲۰۰۰ رسیده است. در صادرات فلزات غیر گرانبها و اشیاء به دست آمده از آنها و تولیدات از مواد کانی نیز میزان نسبی بزرگی را در صادرات اشغال می‌کنند و همچنین تولید مواد غذایی آماده که سهم آن در سالهای اخیر به‌طور متوسط ۷ درصد را تشکیل می‌دهد. صادرات ماشین‌آلات، ابزار، و مکانیسم‌ها نیز سهم خوبی را دارند ولی میزان نسبی آنها در کل ابعاد صادرات جمهوری در حال کاهش می‌باشند. به‌غیر از این ابزار و ماشین‌آلات قید شده عمدتاً کهنه و فرسوده بوده و از سوی صاحبان مؤسسات خصوصی سازی شده به فروش می‌رسند.

در واردات تولیدات از مواد معدنی، ماشین‌آلات و ابزار، تولیدات شیمیایی، کالاهای دارای منشاء گیاهی، مواد غذایی آماده، تولیدات دارای منشاء حیوانی، وسایل حمل و نقل و

بالاخره فلزات گرانبها و غیرگرانبها میزان نسبی بالایی را تشکیل می‌دهند. ظرف سالهای اخیر همچنین روند جایگزینی تولیدات محلی با کالاهای وارداتی نیز مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که نیازهای مردم جمهوری بتدریج در بخش تولید لبنیات داخلی تأمین شده، واردات تخم مرغ و عسل کاهش یافته، نقش و اهمیت فرآورده‌های گوشتی، دخانیات، آبجو، عرق، شراب، کنیاک، شامپاین، آبهای معدنی، آب میوه و شیرینی جات و تافی‌های داخلی در ساختار مصرفی مردم افزایش یافته است. از سوی دیگر تولید برخی از مواد غذایی یا اینکه در جمهوری امکان نداشته یا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نبوده، و یا اینکه نیازهای مردم را بر اساس امکانات داخلی رفع نمی‌کند. فی‌المثل برنج، حبوبات، قهوه، کاکائو، آرد، شکر، کنسرو ماهی و غیره. طبقاً واردات اینگونه کالاها نمی‌تواند کاهش داشته باشد.

بنابراین برای جمهوری تنظیم تناسب بین صادرات و واردات از طریق تشویق سرمایه‌گذاری، کاهش واردات به‌وسیله توسعه تولیدات جایگزین شونده، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی علی‌الخصوص بخش خصوصی و تکمیل ساختارهای جغرافیای صادرات و واردات کالاها، به صورت مسأله مهم باقی می‌ماند.

حل این مسایل اساسی به نحو محسوسی در رابطه با سازمانهای اقتصادی بین‌المللی بویژه سازمان جهانی تجارت بستگی دارد که مسأله عضویت در آن کماکان از سال ۱۹۹۲ در جمهوری مطرح بوده است در آن زمان سازمان یادشده به نام (GATT) معروف بود. بایستی قید نمود که این روند تا به امروز ادامه داشته و کماکان به صورت موضوع مورد بحث، از نظر عواقب مثبت و منفی بعد از عضویت جمهوری ارمنستان در این سازمان باقی مانده است.

به‌نظر ما ارمنستان با عضویت در سازمان جهانی تجارت شرایط مناسب ویژه‌ای در هنگام اجرای تجارت خارجی خود دریافت خواهد نمود. به جمهوری تمامی آن امتیازات تجاری-اقتصادی مورد لزوم که همه کشورهای عضو از آن برخوردارند اختصاص خواهد یافت. در درجه نخست جمهوری ارمنستان به عنوان یک همکار تجاری و منطقه امیدبخش برای

سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشاهده خواهد شد. جمهوری ضمن تغییر دادن عرصه حقوقی خود شرایط مناسب اقتصادی را برای وارد شدن به قلمرو کشورهای عضو به دست می‌آورد. امکان حمایت از بازار داخلی و افزایش رقابت کالاها در بازار بین‌المللی به وجود خواهد آمد. از سوی دیگر جمهوری ممکن است که دارای برخی مشکلات و موارد دارای نقص نیز باشد. بدین ترتیب که اقتصاد ملی جمهوری در وابستگی شدید به بازار خارجی بوده، نیاز به هزینه‌های بزرگی برای مقاومت در رقابت بازار بین‌المللی پیش آمده، وضعیت تراز پرداختها به حساب بزرگتر شدن ابعاد واردات بدتر شده و تولیدکنندگان داخلی ممکن است که دچار زیانهای موقت محسوسی گردند. به‌طور کلی ارمنستان از عضویت در سازمان جهانی تجارت نتایج مثبت به دست خواهد آورد چنانچه بتواند در جریان مذاکرات شرایط اکثراً مقرون به صرفه‌ای را از بابت عضویت خود به دست آورده و سیاست اقتصاد داخلی و خارجی ملی پیش‌بینی شده‌ای را به اجرا گذارد.

همکاری اقتصادی جمهوری ارمنستان با جمهوری‌های سابق اتحادشوروی به‌ویژه اتحادیه گمرکی نیز که در دهم اکتبر سال ۲۰۰۰ به نام همکاری اقتصادی اروپایی- آسیایی تجدید نام یافت بسیار مهم می‌باشد. در ترکیب این سازمان اقتصادی پنج کشور روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان قرار دارند. همکاری اقتصادی اروپایی- آسیایی شکل همگرایی تجاری- اقتصادی بین کشورهای جامعه مشترک‌المنافع بوده که هدف کلی آن ایجاد بازار واحد برای کالاها و خدمات بین کشورهای عضو می‌باشد. وجود قلمرو گمرکی واحد بین کشورهای عضو همکاری اقتصادی اروپا- آسیا و به کارگیری چنان مکانیسم‌های مشابه برای تنظیم اقتصادی را که بر اصول بازار اقتصاد آزاد و قوانین اقتصاد خارجی، گمرکی، مالیاتی، و ارزی استوار می‌شوند، پیش‌بینی می‌کند.

ولی در اینجا نیز برخی پیچیدگی‌ها وجود دارند. بدین ترتیب که روسیه دارای سیستم عوارض گمرکی متمایز و نسبتاً پیچیده از نظر ساختاری بوده، تعرفه‌های وارداتی دارای جنبه حمایت از تولیدات داخلی را داشته و به‌طور محسوسی از تعرفه‌های گمرکی جاری در ارمنستان

بالتر می‌باشند. در روسیه کماکان به‌طور وسیعی ثبت (دریافت مجوز) و سهمیه‌بندی برای صادرات وجود دارد.

به‌نظر ما حل این مسأله تنها بعد از عضویت ارمنستان در سازمان تجارت جهانی به صورت مسأله روز درخواهد آمد. جمهوری ارمنستان کشور کوچکی است و ما بایستی سیاست اقتصادی خارجی انعطاف‌پذیری را از یکسو ضمن تلاش برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و به‌دست آوردن جایگاه مشخص در بازار بین‌المللی و از سوی دیگر عدم از دست دادن همکاران و بازار شوروی سابق که برای ما مقرون به صرفه‌تر و قابل دسترسی‌تر می‌باشد را به اجرا درآوریم. برای ارمنستان داشتن چنان روابط اقتصادی بین دولتی که خاصه کشورهای بزرگ می‌باشند نمی‌تواند وجود داشته باشد. تنها کشورهای بزرگ می‌توانند دارای تأثیرات مهمی بر روی بازار جهانی باشند و کشورهای کوچک محروم از چنین تأثیری می‌باشند. حال متوجه وابستگی زیاد کشورهای کوچک به تغییرات روی‌دهنده در بازار جهانی می‌شویم. این امر مشروط به وجود مواد اولیه که برای توسعه روابط اقتصادی خارجی و تکامل آن ضروری است می‌باشد.

ارمنستان دارای بازار داخلی به حد کافی محدودی می‌باشد. به همین دلیل نیز دورنماهای توسعه آن در رابطه با بازار خارجی بوده و مسأله نه به میزان چندان زیادی به سازماندهی تولیدات مشخص و ارائه خدمات بستگی داشته بلکه در فروش نتایج عملکردهای اقتصادی در بازار جهانی نیز وابسته می‌باشد. از این دیدگاه برای جمهوری ارمنستان صدور تولیدات خود به بازار اتحاد شوروی سابق نسبتاً آسانتر می‌باشد. در رابطه با توسعه صادرات در راستای کشورهای پیشرفته اقتصادی بایستی گفت که این مسأله در هر حال از دیدگاه آینده نزدیک به حد کافی پیچیده است.

به منابع مربوط به مواد اولیه اساسی جمهوری ارمنستان اشاره نماییم که می‌توانند برای عملکردهای اقتصاد خارجی مورد استناد قرار گیرند.

از میان فلزات سیاه (معمولی) لازم است که آهن را متمایز سازیم. ارمنستان دارای دو

معدن مورد مطالعه قرار گرفته می‌باشد که عبارتند از معادن آبویان و هرازدان که دارای اهمیت صنعتی می‌باشند.

از میان فلزات رنگی به مولیبدن و مس اشاره نماییم. در جمهوری ارمنستان دهها معدن مس-مولیبدن وجود دارد. از میان آنها بزرگترین معدن، معادن کاجاران، آگارگ، تقود، هانکاوآن و آلوردی می‌باشند. بعد از معادن مس-مولیبدن و مس معادن سرب و روی بیشترند؛ همچنین معادن شبه طلا و نیمه فلزی با ترکیبات طلا و نقره و معادن تنها طلا.

از دیگر منابع کانی در جمهوری ارمنستان بنتونید (بزرگترین معدن در روستای ساری گیوق)، معادن پرلیت، (سه معدن وجود دارد که دو معدن «آراگاتز» و «جرابرد» تحت بهره‌برداری می‌باشند)، معادن تسئولید (معدن نویمبریان) می‌باشند.

ارمنستان همچنین دارای ذخایر سنگ نمک، ژئیس (گچ)، شیشه (مواد دارای ترکیبات کووارتزی)، و مواد سرمایی، مواد اولیه برای چینی جات و کالاهای کریستالی می‌باشد. جمهوری دارای ۲۰ نوع سنگهای ویژه رونمای مختلف می‌باشد که ضروری است در شمار آنان از سنگ توف فرزیتی، تراورتن، کونگورگیچ رنگی، مرمر رنگی (سبز) و گرانیتها نام برد.

در ارمنستان همچنین معادن بزرگی از سنگهای مختلف شفاف و درخشانده وجود دارند. آنها همراه با ذخایر ابسیدین، معادن ویژه دارای کیفیت بالایی می‌باشند. همچنین لایه‌های دارای حجم محسوسی از آگات، معادن اونیکس، مرمر، هاسبیس، چوب سنگ شده، کریستال کوهستانی، آمیتیست و غیره وجود دارند. فهرست یادشده با کشف انواع جدیدی از سنگهای شفاف و درخشان طی سالهای اخیر تکمیل شد که تا آن زمان در جمهوری شناسایی نشده بودند. از جمله: فیروزه، نفریتوئیت، تمانتوئیت، ژاد شهر سودان، سرپانتین خالص.

برای عملکردهای اقتصادی خارجی می‌توان منابع ثانویه به‌ویژه ضایعات و قراضه سنگهای رنگی و گرانقیمت، آبهای معدنی (از جمله با ایجاد استراحتگاههای دارای اهمیت بین‌المللی) تولیدات کشاورزی (زردآلو، هلو، علفها و گیاهان بهداشتی) همراه با افزایش توان

علمی به عنوان پایه و اساس به خدمت گرفته شوند.

اقدام به‌طور مختصر گفته شده در بالا طبعاً نمی‌تواند شامل تمامی توانهای منابع داخلی باشد ولی تصویری را در خصوص امکانات مربوطه که می‌توانند در دوران اولیه برای توسعه روابط اقتصادی خارجی، افزایش ابعاد صادرات و کاهش واردات مورد استفاده قرار گیرند، به دست می‌دهد. در جمهوری ارمنستان اصلاح تناسب موجود بین صادرات و واردات بر پایه حل دو مسأله اساسی استوار می‌گردد که عبارتند از جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده بهینه از آنها، تکمیل مکانیزم اقتصادی تشویق صادرات و توسعه تولیدات جایگزین شونده برای واردات.

در یک جامعه متمدن شرکت سرمایه‌های خارجی در اقتصاد یک پدیده طبیعی به حساب می‌آید؛ در صورتی که در جمهوری ارمنستان سالیان زیادی این روند به عنوان رخنه اقتصادی ارزیابی می‌گردید. حتی بعد از اعلام استقلال و برقراری روابط اقتصاد بازار آزاد احتیاط شدیدی را در قبال هجوم و جریان یافتن سرمایه‌های خارجی نشان می‌دادند.

لازم است که سرمایه‌گذار خارجی را نه اینکه به عنوان رقیب بلکه سازنده و مساعدت‌کننده ارزشمند مشاهده نمود؛ زیرا که بدون شرکت فعالانه وی حل سریع و موفقیت‌آمیز مسایل اجتماعی - اقتصادی امیدبخش نخواهد بود. جریان یافتن سرمایه از بابت انجام امور مؤسسه‌داری نیروی سازندگی خود را ضمن قرار گرفتن به عنوان تشویق‌کننده توسعه اقتصادی کشورها بارها ثابت نموده است. (ایالات متحده آمریکا، آلمان، ژاپن، هنگ‌کنگ، تایوان، کره جنوبی، سنگاپور).

ورود سرمایه‌های خارجی را بایستی به عنوان گسترش تجربه سازماندهی فنون و تکنولوژی، روشهای سازماندهی تولید، مدیریت و بازاریابی و کار در اقتصاد بازار آزاد و همچنین شکل‌گیری فرهنگ اقتصادی معاصر و امکان آموختن شکلهای مدرن افزایش رقابت کالاها و خدمات مشاهده نمود. علاوه بر این ورود سرمایه خارجی به شکل هم اعتباردهی و انجام کار مؤسسه‌داری معمولاً یکی از راستاها و متدهای مهم تنظیم تراز پرداختها مطرح می‌شود. تمامی

این موارد مشروط به اولویت دادن به جذب سرمایه‌های خارجی در استراتژی مربوط به تغییرات اقتصادی می‌گردد.

سرمایه‌های خارجی بایستی در راستای حل مسایل غیر قابل به تعویق انداختن به شرح زیر قرار گیرند که بدون آنها امکان تأمین کامل همگرایی ارمنستان در اقتصاد بین‌المللی وجود ندارد: تنظیم تراز پرداختها، توسعه محدوده‌های مهمتر اقتصاد مردمی، تکمیل عناصر، پایه‌ها و عملکردهای زیرمجموعه‌های تولیدی و اجتماعی، توسعه عرصه‌های تولیدات صادراتی، مساعدت به توسعه محدوده بخش خصوصی بویژه در عرصه تجار کوچک و متوسط، آماده نمودن متخصصین دارای کیفیت بالا با توجه به نیازهای اقتصاد بازار آزاد، آموزش و غیره.

به موازات توسعه اقتصادی ارمنستان بایستی امکانات وسیعتری برای جذب سرمایه خارجی به شکل اعتبارات و حوالجات تجاری دولتی و خصوصی مطرح گردند. ضمناً به ویژه لازم است تا سرمایه‌گذاری‌های خارجی خصوصی را تشویق نمود. همزمان لازم است تا مکانیزمهای ضمانتها در اختیار سرمایه‌گذار خارجی را استحکام بخشید.

ضمانتهای دولتی برای ایجاد جو مساعد برای سرمایه‌گذاری بایستی به وسیله سیستم سپردن امتیازات تکمیل گردند. لازم است تا امتیازات رژیم اقتصادی را بسته به میزان شرکت سرمایه‌گذاری در تولیدات مشخصه از هم تمیز داد. ضمناً لازم است که رژیم دارای امتیازات بیشتر را در اختیار مؤسسات مشترک و تولیدی در نظر گرفته شده برای صادرات و تولیدات جایگزین شونده برای واردات گذارد. مناسب است که رژیم همراه با امتیازات ویژه را در خصوص تمامی انواع مؤسسات دارای سرمایه خارجی که در روند تولیدی خود تولیدکنندگان کوچک و متوسط را به صورت فعالی جذب نموده‌اند به کار گرفت. این امر در درجه نخست به مؤسسات علمی پیشتاز مربوط می‌شود. ضمن تشویق جذب وسیع سرمایه خارجی لازم است که مرحله‌ای بودن و اولویتهای این روند را نیز پیش‌بینی نمود. برای تاجر خارجی در شرایط وجود رژیم حقوقی و ارزشهای برابر، سیستم مشخصه‌ای برای تدابیر مربوطه لازم است که از تولیدکنندگان

جدیداً شکل گرفته و واردشونده در روابط بازار اقتصاد آزاد حمایت نماید. در انحصار درآوردن احتمالی بخشهای دارای اهمیت ویژه بازار کالاها و خدمات از سوی تولیدکنندگان خارجی مطلوب نمی‌باشد.

روندهای فعلی توسعه روابط اقتصاد خارجی جمهوری ارمنستان دال بر این دارند که سازمانها و مؤسسات به‌کندی به سوی صادرات جهت‌گیری می‌کنند (گرچه رشد سریعی در این علاقمندی وجود دارد) که نتیجه فقدان سیستم جامع تشویق صادرات می‌باشد. همزمان، تجربه کشورهای توسعه یافته ضرورت جستجو و کاوش بلاوقفه اشکال عینی دخالت فعال و تشویق رسمی صادرات در محدوده تجارت خارجی را نشان می‌دهد. سیستم تدوین شده علمی مساعدت به عملکردهای صادراتی برای انواع مؤسسات ضرورت دارد؛ زیرا که بدون این امر احتمال انتظار داشتن نتایج مهم در اقتصاد مشکل خواهد بود. در درجه نخست لازم است که نهاد ویژه‌ای را به وجود آورد که به امر مساعدت به تجارت خارجی و مسایل تشویق صادرات مشغول باشد. آن امر بایستی با هماهنگ نمودن عملکردهای سازمانها و مؤسسات در مسأله راه یافتن موفقیت‌آمیز به بازار خارجی و در اختیار گذاشتن کمکهای مالی - اقتصادی به آنها همراه گردد. سازماندهی مطالعات و بررسی‌های بازاریابی و یافتن همکاران برای صادرکنندگان بالقوه بایستی در کانون توجه باشد. مناسب است تا تدوین چنان مسایلی از قبیل اعطای امتیازات ویژه مالیاتی و گمرکی به مؤسسات صادرکننده، رایانه‌ها و تخصیص اعتبارات صادراتی و غیره در دستور کار آنها قرار گرفته و به دولت ارائه دهند.

برای کمک به تولیدات صادراتی لازم است مجموعه تدابیر و امکانات مختلف را از قبیل اختصاص امتیازاتی برای وارد نمودن ابزار، تکنولوژی و مواد مدرن و خوب به کار گرفت. تشویق به جذب همکاران خارجی به شکل ایجاد مؤسسات مشترک و وارد نمودن سرمایه خارجی، دادن اعتبارات ویژه، بیمه عملکردهای اقتصاد خارجی مؤسسات صادرکننده کالاها و غیره دارای اهمیت بسیار می‌باشند.

ژئوپلتیک و سیاست

تمام جنبشها، ایدئولوژی‌ها و استراتژی‌های سیاسی، که سعی بر منحصر به فرد نمودن مفهوم انسان و اطاعت از ارزشهای انسانی را دارند، بر خوردهای مصنوعی به جامعه می‌آورند، چرا که در واقع علیه تنوع طبیعی قیام می‌کنند. تنوعات ملی، دولتی، جنسی، مذهبی، اداری و دیدگاههای جهانی آنقدر طبیعی و آنقدر برای هماهنگی جهان ضروری هستند که تمام تلاشها برای از بین بردن این تنوعات باید به عنوان جنایت علیه بشریت مورد عنایت قرار گیرند. مبارزه علیه این جنایت از طریق حفظ تنوع انجام می‌شود و باید ذکر کرد که ملت ارمنی این راه را با موفقیت پیموده است. ما موفق به ارمنی ساختن مسیحیت، کمونیسم، فلسفه دولتی، آموزش، علم و مدیریت اقتصاد شده‌ایم و هم‌اکنون دموکراسی، نظام صنعتی و جهانی شدن ما را تهدید می‌کنند. اگر ما نمی‌خواهیم در زیر آوار اینها بمانیم، موظفیم که تمام اینها را ارمنی‌سازی کنیم. تا آنجا که موضوع مربوط به جهانی شدن است، از آن هم شروع کنیم. اکثر مردم نظر بر آن دارند و درباره آن علناً اعلام می‌کنند که جهان امروز یک قطبی است و این قطب در دست آمریکا می‌باشد. احتمالاً به این شاخ و برگ اضافه شده است و احتمالاً وارطان اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان اخیراً درست می‌گفت که چین، اروپای متحد و روسیه مدعی قطب شدن می‌باشند. قبل از روشن کردن آنکه تا چه حد ارمنی ساختن روابط متقابل این قطب‌ها ممکن است، لازم است که ماهیت این روابط متقابل واضح گردیده و جایگاه ارمنستان و ملت ارمنی در این روابط یافته شود.

چین هم اکنون در تمام مسایل بین‌المللی نقش برتر ایفا می‌کند و اتفاقی نیست که کارشناسان برجسته ایالات متحده، روسیه و اروپای غربی به آن نتیجه‌گیری رسیده باشند، که چین تا سال ۲۰۲۵ تبدیل به رقیب اصلی استراتژیک ایالات متحده خواهد شد. دقیقاً به همین علت ایالات متحده با هم‌پیمانان خود (بریتانیای کبیر، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان) جهت نقض نوار تدافعی یکپارچه چین در آسیای مرکزی و خاور دور، در مسیر هندوچین، تلاش می‌کنند. به‌غیر از این، آنها بین اقلیتهای ملی چین جنبشهای جدایی طلبانه

ترتیب داده و بین ژاپن و چین بر خوردهای مصنوعی ایجاد می‌کنند. چین به نوبه خود به ایالات متحده ضربه وارد کرده و مزاحم ورود آن به خاور دور، خاورمیانه، افغانستان، ماورای قفقاز و حتی اروپای جنوبی می‌شود.

توافقیهای منعقد در سالهای ۹۵-۱۹۹۴ این هدف را دنبال می‌کردند و بحثهای مرزی هندوستان و چین و توافقیهای سالهای ۹۶-۱۹۹۳، که به موجب آن نیروها از مرز روسیه و چین متقابلاً عقب‌نشینی کردند، تنظیم شدند. به موجب پیروی از همین هدف بود که چین در سال ۱۹۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به حمله ناتو به کوزوو رأی منفی داد. ذکر کنیم که چین تنها هم‌پیمان یوگسلاوی است. با انعکاس منافع چین در ماورای قفقاز لازم به ذکر است که چین علناً نسبت به گسترش تأثیرات ترکیه و واکنش نشان می‌دهد، چراکه ترکیه در رابطه با این مسأله هم‌پیمان اصلی ایالات متحده است. چین بخوبی درک می‌کند که آمریکا با تحکیم حضور خود در ماورای قفقاز از طریق ترکیه، سعی بر گسترش تأثیرات خود تا خاورمیانه خواهد داشت، یعنی تا مرز سین‌کیانگ، جایی که اویغورها، قزاقها و دیگر قومهای ترک زبان زندگی می‌کنند و می‌توانند جنبشهای جدایی طلبانه خود را تبدیل به شورش کنند و آمریکایی‌ها جهت برقراری نظارت بر این شورشها به ترکیه مراجعه خواهند کرد. به همین علت است که چین، همراه با روسیه علیه نیرومند شدن ترکیه در ماورای قفقاز مقابله می‌کند و در این مسأله بدون تردید، ارمنستان و حتی آرتساخ (قره‌باغ) از اهمیت ویژه برخوردار می‌شوند.

ارمنستان جهت یافتن جایگاه خود در زمینه روابط متقابل چین - آمریکا باید فلسفه دولتی و تفاوت نظام اداری این دو طرف مخالف را در نظر گیرد، چراکه مطابقت منافع متکی بر تجانس این عوامل است.

فلسفه دولتی ایالات متحده حامل جنبه غیرملی است، ملت به‌عنوان ارزش اصلی شناخته نمی‌شود و حفظ ارزشهای ملی ضرورت محسوب نمی‌شود. رقابت موجود در بازار آزاد سرمنشاء پیشرفت جامعه محسوب می‌شود و آن تمام اولویتهای رقابت را به طرف نیرومند می‌دهد و نیرومند از امکان استفاده نامحدود از ضعیفان برخوردار می‌شود.

فلسفه سیاست دولتی چین متکی بر اصول کمونیستی است، ضرورت حفظ تنوع ملی شناخته می‌شود و بر مقررات رقابت نظارت دولت برقرار می‌شود، یعنی اینکه آزادی رقابت در بازار را محدود می‌سازد.

به این ترتیب، با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک و مدیریت اقتصادی، جایگاه ما در زمینه روابط متقابل چین - آمریکا در کنار چین، روسیه و ایران است.

به این مناسبت ابراز عقیده نسبت به آن نظر موجود، که ارمنستان می‌تواند همراه با طرفین مخالف وارد بازی سیاسی شده و با زرنگی از تمام بازی‌ها سود ببرد، ضروریست. حتی وارطان آسکانیان، وزیر امور خارجه جمهوری ارمنستان اخیر اعلام کرد که اگر نیروهای روسیه در ارمنستان مستقر هستند، این هنوز به آن معنا نیست که ما از همکاری با ناتو منصرف خواهیم شد. حال چگونه ممکن است با این دو نیرو بازی کرد و این بازی‌ها می‌توانند چه چیزی برای ارمنستان و ملت ارمنی به همراه داشته باشند، ولی نمی‌خواهم به‌طور عمیق وارد این مسأله بشوم، چرا که نقطه نظر در سطح عالی دیپلماسی ارمنستان ابراز شده است، لذا به احتمال قوی من ماهیت اصلی مسأله را درک نمی‌کنم.

دیگر جریان مهم ژئوپلتیک، تلاش رؤسای سیاسی، نظامی و اقتصادی اروپا جهت به هم پیوستن اروپای قاره‌ای و ایجاد نوار کلی اقتصادی، سیاسی و نظامی است. این جریان، هنگامی که درباره ایجاد اتحادیه اروپای غربی با حمایت آلمان و فرانسه اعلام شد و ایالات متحده با مقابله با آن سعی بر مزاحمت در ایجاد این اتحادیه را داشت، آغاز گردید. فعلاً آمریکایی‌ها موفق به آن نمی‌شوند و اتحادیه اروپا جهت تکمیل زمینه حقوقی وحدت خود، گامهای جدی برمی‌دارد. مثلاً توافقات ماستریخت و شنگن منعقد شدند، ایجاد پول سراسری با عنوان «یورو»، سازماندهی نیروهای عملیات سریع مرکب از نظامیان آلمان، فرانسه و بلژیک و بجز این، اروپایی‌ها طی سال اخیر با صدای بلند درباره ضرورت برچیدن ناتو و جستجوی روشهای دیگر تدافعی برای سراسر اروپا صحبت می‌کنند. مثلاً فرانسه سعی می‌کند تا فرماندهی استراتژیک در جنوب ناتو را به‌عهده بگیرد.

در یک کلام، در پاریس و برلن، دو مرکز عظیم اروپای قاره‌ای، ایده ضرورت آزادسازی اروپا از آمریکایی شدن بیش از حد و حضور نظامی آمریکایی، به وجود آمده است.

مخالفت بین اروپا و ایالات متحده به حد کافی حاد شده است، چرا که یک مسأله حل می‌شود: چه کسی باید بر مواد اولیه و راه‌های بزرگ جهان و در مرحله اول بر فواصل روسیه و شوروی سابق نظارت کند؟ وقتی این موضوع حل شود، یک سؤال دیگر مطرح خواهد شد: آیا اروپا می‌تواند به نقش سابق خود برگردد، یعنی به یکی از قطب‌های ژئوپلیتیک تبدیل شود؟ همان‌طور که معلوم است، اروپا این نقش را پس از جنگ جهانی دوم از دست داد. قابل درک است که واشنگتن در مرحله اول از طریق انگلیس سعی بر سرنگون کردن وحدت ایجاد نشده اروپا دارد و یکی از شواهد آن تلاش‌های این کشور جهت آوردن عنصری دشمنانه برای اروپا همچون ترکیه می‌باشد. مورد ثابت‌کننده دیگر، تلاش‌های ایالات متحده در رابطه با گسترش جنگ طولانی در بالکان است. سرانجام، ضربه‌های ایالات متحده علیه وحدت اروپا زمینه بانکی را شامل می‌شوند و در اینجا از نرخ دلار به‌طور غیر طبیعی کاسته می‌شود و آن به‌طور اجتناب‌ناپذیر نرخ کالا را افزایش داده و همزمان با آن توان رقابت کالا کاهش می‌یابد.

در پرتو این روابط متقابل، منافع ما با روحیه ضدآمریکایی اروپاییان که تبدیل به روحیه ضدترکی می‌شوند، مطابقت دارد. بسیار قابل مفهوم است که اگر تأثیر ترکیه در ماورای قفقاز حاکم باشد، بنابر این به معنای گسترش تأثیرات ایالات متحده در عوض آلمان یا فرانسه خواهد بود و در این صورت برای آمریکا گشایش دروازه اروپایی جهت ترکیه خیلی آسانتر خواهد بود. علاوه بر این، در این صورت ممکن است تشکیل پیمان جمهوری‌های ماورای قفقاز تحت حمایت ترکیه به وقوع بپیوندد. کشورهای اروپایی در رابطه با گسترش تأثیرات خود در ماورای قفقاز ذینفع هستند و نظر بر آن دارند که ارمنستان تنها مانع، برای تحکیم مواضع ترکیه در ماورای قفقاز می‌باشد. اروپایی‌ها نمی‌خواهند ترکیه را به عنوان پلیس نه در اروپای جنوبی، نه در آسیای مرکزی و نه در اتحادیه اروپا ببینند. به این معنا، جایگاه ما در معارضه اروپا و ایالات متحده در کنار اروپاست.

سرانجام به تعارض ایالات متحده آمریکا و روسیه مراجعه کنیم. امروزه این امر چندان مهم محسوب نمی‌شود و اهمیت این روابط متقابل به‌عنوان مکان سوم ارزیابی می‌شود، چراکه روسیه در تمام زمینه‌ها از جمله نظامی، به‌طور محسوس تضعیف شده است. ولی روابط متقابل آمریکایی - روسی جنبه عینی دارند. روسیه به‌عنوان وارث اتحاد شوروی، دارای طرز تفکر امپراتوری است، لذا برخورد آن با ایالات متحده آمریکا، دیگر امپراتوری عظیم، اجتناب‌ناپذیر است. مبارزه روسیه علیه ایالات متحده به آن علت تضعیف می‌شود که رؤسای روسیه دارای هدف مشترک سیاسی - نظامی نمی‌باشند، چراکه در بین این رؤسا، افراطیون راستگرا، چپگرا، لیبرال، غرب دوست، دموکرات، سوسیالیست، کمونیست، وطن پرست و دیگران موجود هستند و به هم پیوستن آنها بر یک هدف مشترک دشوار است. تأثیر آنها بر سیاست خارجی روسیه علیه رسالت نظامی تصویب شده و در سالهای ۹۵-۱۹۹۳، که متکی بر دو اصل است، ابراز گردید:

۱. اگر روسیه مورد حمله قرار گیرد، در این صورت حق ضربت هسته‌ای را برای خود محفوظ می‌دارد.

۲. ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی، چین، رومانی و افغانستان رقیبان نظامی احتمالی روسیه محسوب می‌شوند. اضافه کنیم که موشک‌های ضد هوایی روسیه روبه این کشورها جهت‌گیری کرده‌اند. هم‌اکنون فقط چین از صفوف کشورهای رقیب روسیه حذف شده است. در ارمنستان نیروهای روسی در مرزها مستقر هستند. روسیه سلاح‌های مرگبار خود را به چین می‌دهد. مخالفت روسیه با ایالات متحده به حد کافی واضح است و نیاز به تفسیر ندارد. مخالفت ایالات متحده نسبت به روسیه از طریق گسترش ناتو ابراز می‌شود. ایالات متحده به مناسبت‌های مختلف سعی دارد اسلوونی، کرواسی، رومانی، بلغارستان، کشورهای دریای بالتیک، آلبانی، ارمنستان، اوکراین و دیگران را در ناتو بگنجانند. جایگاه ما در زمینه تعارض روسیه و ایالات متحده در کنار روسیه است.

حالا به خطرات کلی جهانی شدن باز می‌گردیم. کلمه گلوبالیزیشن هنوز رایج نمی‌باشد، در فرهنگ لغات موجود نیست و برای بسیاری از مردم مفهوم نامشخصی دارد. اگر سعی بر

تعیین این مفهوم داشته باشیم، احتمالاً باید بر ماهیت آن، که چیزی بجز جستجوی روشهای عالی همکاری بشریت نیست، تأکید کنیم و در همین نقطه روشن می‌شود، که جستجوی روشهای کلی همکاری بشریت با تمام روشهای زیست‌اجتماعی، که انسان طی پیشرفت تمدن ایجاد کرده و تا امروز هم از آن پیروی می‌کند، در تضاد می‌باشد. اگر ما تمایل به ایجاد نظم جدید زیست اجتماعی داریم، در این صورت ضروریست که نظم قدیمی را نابود کنیم، چرا که تغییر دادن آن غیرممکن است.

در نظم قدیمی حاکمیت ملی به عنوان واحد اجتماعی بود. سازمان ملل متحد وحدت حاکمیت‌ها و نه ملت‌ها است. شورای امنیت شورای نمایندگان حاکمیت‌ها و نه ملت‌هاست. قوانین بین‌المللی برای حاکمیت‌های خودمختار و نه برای ملت‌ها نوشته شده‌اند و آنها از منافع شهروندان حاکمیت فوق و نه ملت‌ها دفاع می‌کنند. حقوق ملی، به همان میزانی که حقوق و منافع ملت در حاکمیت فوق محفوظ است، حفظ می‌شوند.

نظمی که جهانی شدن نام دارد، جهت از بین بردن تمام موانع در راه ایجاد نظم تجارت جهانی و شهروند جهانی، تلاش می‌کند و آن به معنای تجاوز علیه خودمختاری ملی حاکمیت‌های جهان است. حاکمیت اقتصادی جهان کم‌کم در دست گروه کوچکی از افراد متمرکز می‌شود و جهان تبدیل به یک بازار سراسری می‌گردد. منابع مالی عظیم انباشته شده در دستان این گروه شرکتهای غیرملی بزرگ، تولیدکننده ملی را از بازار می‌رانند و سیاستی را که مطابق با منافع کشوری که در خاک آن فعالیت می‌کنند نمی‌باشد، پیاده می‌کنند. دقیقاً به همین علت ثروت جهان در محافل بین‌المللی دور یک قطب انباشته می‌شود و در قطب دیگر فقر دامنی می‌زند. این نابرابری را ناتو، که امروز سیاست گسترش را آغاز کرده است، مورد حمایت قرار داده است. هم‌اکنون فقر نه تنها اهالی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، بلکه اروپای غربی و کشورهای آمریکای شمالی را نیز، که امروز در حال توسعه هستند، تهدید می‌کند. یعنی، کل تمدن مورد تهدید قرار گرفته است.

در سال ۱۹۹۲ اجلاس زیست‌محیطی سازمان ملل متحد در ریودژانیرو مفهوم «میلیارد

طلایی» را مطرح کرد و به آن معنا بود که باید جمعیت موجود بر روی کره زمین به یک میلیارد نفر کاهش یابد، تا بتواند در شرایط موجود زیست محیطی ادامه حیات داشته باشد. ولی چه کسی باید در این «میلیارد طلایی» شامل شود؟ افریقایی‌ها؟ اروپایی‌ها؟ اعراب؟ آمریکایی‌ها؟ آرامنه‌ها؟ یهودیان؟ یا فارسها؟ احتمالاً فقط آنهایی که بتوانند از تأثیرات سخنرانی‌ها دربارهٔ ضرورت جهانی شدن، ژئوپلتیک، هماهنگی، همکاری جهانی و ایجاد روابط نزدیک بین‌المللی رها شده و به زندگی، طبق اصول طبیعی حفظ خود، ادامه دهند. می‌توان وارد «میلیارد طلایی» یا یک جنبش بشری دیگر گردید، ولی اگر به‌عنوان ارمنی وارد می‌شوی و اگر ملت ارمنی باید جایگاه خود را در زمینه گلوبالیستها تعیین کند، در این صورت به‌نظر ما، در آنجا جایگاهی ندارد. در آنجا نیروهای قدرتمند جهان، که در نبود کردن تنوع ملی جهان، از جمله آرامنه به‌عنوان ملت، ذینفع هستند، تمام جایگاهها را به‌طور مستحکم اشغال کرده‌اند.

خوشبختانه در جهان هنوز نیروهای مدافع از ارزشهای ملی موجود هستند (ایران، روسیه، چین، جهان عرب، آلمان) و جایگاه ما در کنار آنهاست.

یک مسأله مهم دیگر به‌طور مستقیم با جهانی شدن و محدود ساختن خودمختاری حاکمیتها ارتباط دارد.

در سال ۱۹۹۹ تونی بلر، نخست وزیر بریتانیای کبیر، بحث حق هجوم انساندوستانه را به میان آورد و به آن معنا بود که نابودی اصل انساندوستانه در کشوری، از امور داخلی این کشور نمی‌باشد و جامعه بین‌المللی نه تنها حق دارد، بلکه موظف است با قاطعیت جهت تنظیم بحرانهای انساندوستانه به حساب محدود ساختن خودمختاری کشور فوق، دخالت کند. زمانی آمریکایی‌ها جهت مبرا نمودن جنایت‌های خود علیه سرخپوستان، از این نظریه استفاده می‌کردند، «بله، ما به آنها ستم کردیم، ولی در عوض به کره ماه پرواز نموده و ماشینهای حساب را اختراع کردیم».

ملت ارمنی نمی‌تواند ایده یا قانونی را که خودمختاری ملی را محدود می‌سازد، بپذیرد.

سفارت جمهوری اسلامی ایران - ایروان